

# تناقضات جریان رسمی

## عباس عبدي

به نظر میرسد که هر يك از رویکردهای سیاسی در ایران کما بیش دچار تناقضات و مشکلات منطقی خود شده‌اند. این وضع محصول تغییرات داخلی و نیز تحولات جهانی است. گویی که جهان ایرانی در حال پوست انداختن است. اگر چه این پوست‌اندازی در ذهنیت رخ داده، ولی در عینیت سیاسی و اجتماعی به آن تن داده نمی‌شود و راهی برای حل این مساله نیز پیشنهاد نشده است. راهی که خیر همگان را تامین کند. تناقضات فکری مذکور میان هر کدام از منتقدین و مخالفان و براندازان ریشه‌های فکری و عملی خاص خودشان را دارد ولی هیچ کدام به شدت تناقضات فکری و عملی جریان اصلی در قدرت نیست. در این یادداشت برخی تناقضات رفتاری و فکری آنان در هفته‌های اخیر را نشان خواهیم داد. این تناقضات به علت بن‌بست‌های نظری و تکیه کردن به رویکردهای اقتضایی و کوتاه مدت است.

اولین مورد در نحوه مواجهه تبلیغاتی و رسانه‌ای با اعتراضات دانشجویی در امریکا است. تردیدی نیست که این اعتراضات مهم و کم‌سابقه است. مهم از این جهت که مساله اصلی آن فلسطین و علیه اسراییل است. کم‌سابقه نیز به علت مواجهه به نسبت تند با آنان است. در هر حال اعتراضات اثرگذاری است به ویژه آثار آن ممکن است در ادامه بیشتر شود. استقبال از این تظاهرات اعتراضی از سوی افراد و کشورهای طرفدار فلسطین و مخالف اسراییل امری بدیهی و روشن است ولی نحوه دفاع جریان رسمی در ایران از این اعتراضات و محکوم کردن پلیس امریکا خیلی عجیب است، زیرا آنان کارهایی را نقد می‌کنند و مذموم و ناپسند می‌دانند که قطعاً از اتفاقات چندین بار بدتر از آن در ایران دفاع می‌کنند. در واقع نقد آنان به شیوه و نحوه برخورد است و نه حتی نقد محتوایی به موضوع مورد حمایت دانشجویان. در این راه چنان پیش رفتند که حاضرند از جیب ملت هزینه کنند و به دانشجویان معترضی بورسیه دهند که دانشجویان بی‌حجاب در ایران در برابر آنان به نسبت محجبه محسوب می‌شوند ولی در اینجا با آنان برخورد می‌شود و در همان حال از دانشجویان مشابه

در امریکا استقبال میشود که برای بورس تحصیلی به ایران بیایند. البته عین همین تناقض نیز نزد براندازان وجود دارد که از آن سرکوب دانشجویان امریکایی دفاع و برخوردهای مشابه در ایران را محکوم میکنند. هر دو گروه مصداق يك بام و دو هوا هستند. در هر حال اصولگرایان و جریان رسمی بهتر است نگاهی هم به وضعیت خود بیندازند و به زمانی هم فکر کنند که باید از برخوردهای مشابه یا بدتر از آن در داخل کشور حمایت و حتی با آن همراهی کنند. جالب است که برخی از آنها نقش ایران در این اعتراضات را برجسته هم میکنند. در حالی که اگر مشابه چنین شواهدی در يك اعتراض داخلی از سوی امریکا ببینند چه‌ها که نخواهند کرد.

نمونه دوم بحث حجاب است. هنگامی که امام جمعه محترم مشهد برای دفاع از پوشش حجاب به شاهنامه و داستان منیژه استناد کرد، معلوم شد که کفگیر به ته دیگ خورده است. کسانی که برای ایران پیش از اسلام جایگاهی قابل نبودند، اکنون برای اقناع مردم به رعایت يك ارزشی که مدعی اسلامی بودن آن هستند، به شخصیت‌های خیالی و اسطوره‌ای از شاهنامه ارجاع میدهند و جالب اینکه کاملاً هم اشتباه استناد میکنند. گویی که يك جوانی يك شعری خوانده و کسی شنیده و آن را مصداق حجاب و عفت دانسته و به همین راحتی آن را در نماز جمعه تکرار کرده است. به قول يك نفر آنان از شعار ای زن به تو از فاطمه این‌گونه خطاب است... رسیده‌اند به روایت‌خوانی از ذهنیت منیژه دختر افراسیاب که پادشاه دشمن ایران است و اتفاقاً آن‌گونه که گفته‌اند؛ چندان هم زن باحیای مورد نظر گوینده نبوده است.

این تناقض در تبلیغات شهری و رسانه‌ای در موضوع حجاب نیز دیده میشود که به ساده‌ترین و سخیف‌ترین ادبیات و حتی با اثرگذاری منفی در حال تبلیغ حجاب هستند و خود را در مقام دانای کل و اخلاق‌گرای اسلامی تعریف کرده و قصد هدایت کسانی را دارند که حتی جرات مواجهه منطقی با آنان را ندارند، زیرا به راحتی میدان گفت‌وگو را خواهند باخت.

تناقض عجیب‌تر در حوزه فساد است. یکی از ویژگی‌های جریان رسمی ادعای آنان در مبارزه با فساد و ساده‌زیستی و این‌گونه حرف‌هاست. البته طشت این ادعا در دوره اول اصولگرایان ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲ از بام خیال به زمین واقعیت افتاد و شاخص فساد در ایران در آن دوره افزایش جدی یافت و حتی روزی که آن جماعت از پاستور رفتند، چند نفر از مقامات عالی‌آنان به اتهام فساد مالی در زندان یا دادگاه بودند. ولی این دولت حتی پیش از آمدن، کوشید با ایجاد دادگاه‌های

ویژه ضد فساد و اعدام مثلا مفسدین، اراده آهنین ضد فساد خود را نشان دهد، ولی چه می‌توان گفت که از ابتدا همه راه‌ها برای برخورد با فساد با بن‌بست نسبی مواجه و کم‌کم با سکوت نیز همراه شد.

مساله نهاده‌های دامی، چای دیش، باغ ازگل، اوقاف، وام‌های ارزان‌قیمت شهرداری تهران به مدیران خودی، ریخت و پاشها برای عملیات سایبری و پولشویی، ماجرای خودروهای مجلس و انواع و اقسام اتهامات گوناگون و دروغ‌های انتخاباتی موجب شد که این حربه نیز برای دومین بار از دستشان درآید.

یکی دیگر از تناقضات آنان که خیلی مشهود است، مخالفت‌های پیاپی با گرانی و ریختن اشک تمساح برای فقرا و مردم در دوره روحانی و در مقابل دعوت به سکوت و تحمل گرانی‌های دوچندان در دولت جدید است. این تناقضات را در برخورد آنان با موضوعات سیاست خارجی هم به وضوح می‌توان دید.

تحمل این تناقضات فکری و رفتاری برای همه سخت است و دیر یا زود آثار خودش را نشان خواهد داد.